

دو فصلنامه علمی کاشان‌شناسی، بهار و تابستان ۱۴۰۳
دوره ۱۷، شماره ۱ (پیاپی ۳۲)، صفحات: ۲۵-۴۶
مقاله علمی پژوهشی

تحلیل مبانی و ابعاد اقتصاد کاشان در دوره قاجار با تأکید بر نظریات عبدالرسول مدنی

سید محمود سادات‌بیدگلی*

چکیده

عبدالرسول مدنی (۱۲۸۰-۱۳۶۶ق) یکی از روحانیون کاشان است که در دوره مشروطه، رساله انصافی را در انطباق مشروطه با اسلام نوشته است. فریدون آدمیت، قدر و ارزش این رساله را در مباحث روشن‌فکری، بالاتر از تنبیه الائمة و تنزیه الملة نائینی می‌داند. مدنی در این رساله به مباحث اقتصادی دوره قاجار توجه ویژه داشته است. وی با تکیه بر آیات و احادیث، کسب ثروت را مورد تأیید اسلام و آن را باعث ایجاد آزادی و امنیت در جامعه می‌داند. این مقاله با روش تاریخی و شیوه توصیفی تحلیلی و با کمک اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی به تحلیل نظرات عبدالرسول مدنی در باب اقتصاد کاشان در دوره قاجار می‌پردازد و در پی آزمون این فرضیه این است که نظرات عبدالرسول مدنی در مورد وضعیت اقتصادی کاشان در دوره قاجار با واقعیت منطبق است و اسناد و مدارک و منابع اصلی آن را تأیید می‌کنند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد نظرات عبدالرسول مدنی را اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی تأیید می‌کنند و نظرات وی با امر واقع در گذشته انطباق دارد. مدنی تغییر رویه اقتصاد کشور در دوره قاجار از صادرکننده کالای ساخته‌شده به واردکننده این کالا و در عوض صادرات مواد اولیه را تشخیص داد. دریافت مالیات‌های خودسرانه مورد اعتراض مدنی است و اینکه چرا دولت از کالاهای خارجی گمرکی چندانی نمی‌گیرد تا آن‌ها گران‌تر وارد شوند و بازار کمتری پیدا کنند. بیکاری گسترده و پرداختن مردم به کارهای غیرمولد و چندشغله بودن کارگزاران حکومتی نیز همواره مد نظر این روحانی نواندیش بود. مدنی به مقوله کوچک‌سازی دولت و چابک‌سازی آن پرداخته است که شاید کمتر نواندیشی در آن دوره بدان فکر می‌کرد. وی فرزند زمانه خود بود و با درک مسائل اساسی آن دوره، ریشه حل مشکلات را در واکاوی درونی خود مردم و خودآگاهی‌شان به وضعیت اقتصادی و نیز کار و کوشش و ایجاد ثروت از طریق ایجاد صنایع جدید و تقویت آن و گمرکی بستن بر کالاهای خارجی می‌داند.

کلیدواژه‌ها: عبدالرسول مدنی، اقتصاد دوره قاجار، بیکاری، مشروطیت، کارگاه‌های شرفایی، واردات.

* استادیار گروه تاریخ انقلاب پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران / sadat@ri-khameini.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰



۱. مقدمه

با بروز انقلاب مشروطه در کشور، ایرانیان نظامی را تجربه کردند که قبل از این نیازموده بودند. این پدیده واکنش‌های مختلفی را در جامعه برانگیخت. انجمن‌های مشروطه‌خواه و روزنامه‌ها به فعالیت پرداختند و بعضاً کنش‌هایی از خود نشان دادند و یا مطالبی را منتشر کردند که در بین جامعه مذهبی آن روزگار واکنش‌هایی به دنبال آورد. آنان مشروطه را از دریچه این دو می‌دیدند و تدروی‌های آنان گروه‌هایی از افراد را به این جمع‌بندی رساند که مشروطه با این معیارها آیا موازنتی با اسلام دارد. از دیگر سو، نظام جدید مبنای معینی در شرع انور نداشت و مانند نظام سلطانی نبود که مبنای آن به‌عنوان سلطان عادل از سوی فقها پذیرفته شده باشد؛ لذا هم این شبهه و هم آن عملکرد، فضای سختی برای مشروطه‌خواهی ایجاد کرد. علمای هر دو سو نیز رسائلی در له یا علیه مشروطه نوشتند. شهر کاشان هم که به‌علت نزدیکی به پایتخت، وجود تلگراف‌خانه و وجود خاندان‌های روشن‌فکر در شهر سریع تحت‌تأثیر مشروطه‌خواهی قرار گرفته بود، دچار همین مشکل مخالفت یا موافقت با مشروطه گردید. در یک سو، مشروعه‌خواهانی بودند که در «انجمن شریعت محفل قدس» گرد آمده بودند و از طرف دیگر، ملا حبیب‌الله شریف و ملا عبدالرسول مدنی قرار داشتند که مبنایی موافق مشروطه بودند. شریف برای شکسته شدن جوّ ضد مشروطگی در کاشان، نوشتن رساله‌ای را در انطباق مشروطه با اسلام به داماد و شاگردش عبدالرسول مدنی تکلیف کرد و او رساله *انصافیة* را نوشت. این رساله در ۱۳۲۸ق در مطبعه ثریا در کاشان چاپ و در بین اهالی توزیع شد تا نشان دهد که مشروطه مخالف اسلام نیست. لذا این پیشینه نظری و نیز فعالیت وی در قالب رئیس اولین دوره انجمن ولایتی کاشان و نیز رئیس محکمه صلحیه از محاکم شهر کاشان از مدنی، شخصیتی آگاه به زمانه خود ساخته بود. رساله *انصافیة* مدنی در ادامه سنت رساله‌نویسی علما و در جهت نشان دادن انطباق مشروطه با قوانین اسلام نوشته شد و با انتشار در سال ۱۳۲۸ق توانست تا حدودی در تلطیف فضا به نفع مشروطه و مشروطه‌خواهان عمل کند. قدر این رساله شناخته نشده است. فریدون آدمیت جایگاه این رساله را در فهم مباحث روشن‌فکری بالاتر از رساله نائینی می‌داند. از آنجاکه مشکل اصلی کاشان در آن دوره، اقتصاد و ورشکستگی کارگاه‌های نساجی بود، فهم اینکه واقعاً در اقتصاد آن دوره چه می‌گذشته، فقط از روایت آثار کسانی برمی‌آید که با ژرف‌اندیشی به ریشه نابسامانی‌های اقتصادی پی برده باشند و عبدالرسول مدنی یکی از این افراد است. با وجود این، سنجش اینکه گفته‌های مدنی چقدر با واقعیت اقتصاد کاشان در دوره قاجار منطبق است، فقط با بررسی عمیق در اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی ممکن است. نظرات

مدنی در باب نظام مشروطه و عملکرد اجرایی او باعث می‌شود تا نظراتش در باب اقتصاد هم اهمیت داشته باشد؛ اما در تاریخ‌نگاری محلی باید گفته‌های یک فرد را در باب امر واقع در گذشته با اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی و سایر روایت‌ها سنجید تا قابل استفاده و استناد داشته باشد و این مقاله در پی آن است تا نظرات مدنی را در باب اقتصاد کاشان در دوره قاجار با منابع پیش‌گفته بسنجد و در پی آزمون این فرضیه است که نظرات عبدالرسول مدنی در مورد وضعیت اقتصادی کاشان در دوره قاجار با واقعیت منطبق است و اسناد و مدارک و منابع اصلی آن را تأیید می‌کنند. این مقاله با روش تاریخی و شیوه توصیفی تحلیلی و با کمک اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی به موضوع می‌پردازد.

۲. پیشینه پژوهش

سید محمود سادات‌بیدگلی در مقاله خود با عنوان «تحلیل چالش‌های اقتصادی و فرهنگی استقرار نظام مشروطه در کاشان»^۱ به بررسی چالش اقتصادی و چالش دینی که در کاشان بر سر راه ایجاد ساختار مشروطه وجود داشت، می‌پردازد. بستر اقتصادی کاشان میراث‌دار وضعیت نابسامان اقتصادی ایران دوره قاجار بود که پذیرش نظام نوین را با مشکل مواجه می‌کرد. این پژوهش با استفاده از اسناد، نسخ خطی و منابع اصلی به دنبال آزمون این فرضیه است که «آیا وضعیت اقتصادی و فرهنگی کاشان در دوره قاجار بر پذیرش مشروطه در کاشان تأثیر داشته است»؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی نابسامان کاشان در دوره قاجار، چالش بزرگی بر سر راه پذیرش نظام جدید بود؛ لذا نویسنده برای پرداختن به چالش اقتصادی مشروطه در کاشان چاره‌ای جز پرداختن به اقتصاد کاشان در دوره قاجار نداشته است. آمار و اطلاعات مستخرج از اسناد آرشیوی، این مقاله را ارزشمند کرده است.

محمدرضا مهدی‌زاده در مقاله خود با عنوان «تاریخ کاشان ناصری و جان‌گیری علم سرشماری»^۲ به مقایسه دو آمار مندرج در کتاب *تاریخ کاشان* اثر عبدالرحیم کلانتر ضرابی و رساله «کتابچه حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین کاشان» که حسین مدرسی طباطبایی در *قم‌نامه* چاپ کرده است می‌پردازد. ضرابی جمعیت تعدادی از روستاهای کوهستانی را در اثر خود در ۱۲۸۷ق/ ۱۸۷۰م آورده و مهدی‌زاده این آمار را با آمار رساله کتابچه حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین کاشان که در ۱۳۰۴ق/ ۱۸۸۶م نوشته مقایسه کرده و نتیجه گرفته که جمعیت کاشان ۳۰ درصد کاهش یافته است و این را ناشی از اثر قحطی سال ۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۱م می‌داند. این مقاله با روش جامعه‌شناختی و به تحلیل جمعیت‌شناختی کاشان پرداخته و سایر مطالب

این اثر را که اقتصاد کاشان مطمح نظر آن است بررسی نکرده است؛ اما مقاله ارزشمندی است و از مطالب آن در جای خود استفاده شده است.

افسانه قاسمی در مقاله خود با نام «بررسی خلیقات ایرانیان در خلال جنگ جهانی اول»^۳ با روش فازی به بررسی اخلاق ایرانیان در زمان جنگ جهانی اول پرداخته و به این نتیجه رسیده است که آدم‌خوری، فرزندکشی، فرزندخواری و خوردن گوشت انسان همراه با دزدی و شرارت، بیشترین جرایمی بود که مردم در آن زمان انجام دادند. در این مقاله، روش بر محتوا غالب است و از منابع اصلی که همواره مد نظر مورخان است، استفاده نشده است. تمرکز این مقاله بر تأثیر قحطی بر ازدیاد جرم و جنایت است که با موضوع این مقاله که اقتصاد کاشان را از منظر یک روشن‌فکر و در دوره‌ای طولانی‌تر بررسی می‌کند، متفاوت است.

۳. مدنی کیست؟

نسب ملا عبدالرسول مدنی به شیراز می‌رسد؛ ولی پدر و جدش متولد کاشان بودند. «بنده ملا عبدالرسول ابن مرحوم ملا محمد ابن مرحوم ملا زین‌العابدین ابن مرحوم ملا محمود ابن مرحوم آقاعلی. آقاعلی از علما و رؤسای شیراز بوده صاحب مدرسه» (مدنی، ۱۳۹۸: ۱۴۳). ملا عبدالرسول در روز مبعث سال ۱۲۸۰ ق/۱۸۶۴ م متولد شد و بدین روی نامش را عبدالرسول گذاشتند. اولین استاد او ملا حبیب‌الله شریف کاشانی (۱۲۶۲-۱۳۴۰ ق/۱۸۴۶-۱۹۲۲ م) و سپس میرزا فخرالدین نراقی بود. عبدالرسول برای ادامه تحصیل راهی عتبات شد (همان: ۱۴۹). وی بعد از مشروطه رئیس انجمن ولایتی کاشان و رئیس محکمه صلحیه - از محاکم عدلیه کاشان - بود (روزنامه‌تیریا، ش ۹، تاریخ ۱۵ محرم ۱۳۲۸ ق: ۴).

وی در ۸ صفر ۱۳۶۶ ق/۱۱ دی ۱۳۲۵ ش/۱ ژانویه ۱۹۴۷ در ۸۶ سالگی فوت کرد و در بقعه پنجه‌شاه کاشان به خاک سپرده شد (طهرانی، ۱۴۳۰، ج ۱۵، ۱۱۱۵).

خان‌بابا مشار تعداد کتاب‌های چاپ‌شده مدنی را ۱۰ عنوان به شرح زیر اعلام کرده است:

۱. آب حیات (شرح دعای سمات)، کاشان، ۱۳۱۹ ش، سربی، رقعی، ۷۹ ص؛ ۲. اخلاق مدنی، کاشان، ۱۳۱۹ ش، سربی، رقعی، ۱۱۶ ص؛ ۳. تریاق السموم، طهران، ۱۳۶۵ ق، سربی، رقعی، ۱۰۰ ص؛ ۴. تفکیک حقیقت از طبیعت، طهران، ۱۳۱۸ ش، سربی، ناشر: اسدالله شهبهانی؛ ۵. الرد علی البابیة و البهائیه، طهران، ۱۳۷۴ ق، سربی، خشتی، ۶۰ ص؛ ۶. رساله انصافیه (در بنیان مشروطیت)، کاشان، ۱۳۲۸ ق، سنگی، خشتی، به دستور میرزا حبیب‌الله بن علی‌مدد، ۷۸ ص؛ ۷. رساله حجاییه،

کاشان، ۱۳۲۳ش، سربی، جیبی، ۶۶ ص؛ ۸ علائم الحقیقه و آثار الطریقه، طهران، ۱۳۲۴ش، سربی، جیبی، ۸۰ ص؛ ۹. مجمع‌النصائح، طهران، ۱۳۳۹ش، سربی، رقعی، ۷۹۹ ص؛ ۱۰. هدیه‌المحب (در آداب و سنن)، طهران، ۱۳۲۵ق، سنگی، رقعی، ۱۵۰ ص (مشار، ۱۳۴۰: ج ۳، ۸۵۰). در بین آثار مدنی دو کتاب کلمات انجمن و رساله انصافیه به مباحث روز جامعه کاشان و به‌ویژه اقتصاد می‌پردازد. وی از سال ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۳۷ق در منزلش سلسله جلساتی را تشکیل می‌داد و در هر جلسه موضوعی را به بحث می‌گذاشت و مباحث هر جلسه را «کلمه» می‌نامید و مجموع این کلمه‌ها را در کتاب کلمات انجمن جمع‌آوری کرده است. کتاب رساله انصافیه هم کلمه بیست و سوم از کلمات انجمن است که مجزا با نام رساله انصافیه چاپ شده است. مدنی در هر دو اثر اهمیت زیادی به مباحث اقتصادی می‌داد و پایه بسیاری از سخنان او بود. مشکلات اقتصادی به‌صورت ریشه‌ای بیان و راهکارهای عبور از آن هم ذکر می‌شد. لذا این پژوهش به دنبال باز کردن این مباحث اقتصادی و سنجیدن سخنان وی با اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی است که آیا گفته‌های مدنی را این مدارک و منابع تأیید می‌کنند؛ از این رو به‌صورت مصداقی موارد مد نظر مدنی طرح و انطباق آن با منابع و اسناد سنجیده می‌شود.

۴. اقتصاد از دیدگاه مدنی

الف) بیکاری

پرداختن مدنی به مسئله بیکاری ناشی از تعطیلی کارگاه‌های شعربافی کاشان بود. «شهر کاشان چقدر کارخانجات شعربافی داشت و حالا ندارد» (سالور، ۱۳۷۹، ج ۹: ۶۷۶۲). تعداد دستگاه‌های شعربافی کاشان به روایت سپهر از ۷۰۰ تا به ۷ دستگاه رسیده بود (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۴۶). فلاندن در مورد کسادی کارخانه‌های کاشان می‌نویسد: «چندین کارخانه پارچه‌بافی دارد که پارچه‌های ابریشمی گل‌دار، اطلس به‌ویژه زری‌هایی که هم محکم و هم ظرافت خاص دارند تهیه می‌نمایند. همچنین دارای کارخانه مخمل و شال کشمیری است ولیکن واردات انگلیسی که پیوسته از سی سال پیش در ایران رو به تزاید گذاشته، روزبه‌روز از تعداد کارخانه‌های کاشان می‌کاهد» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۵). دوسرسی علت کسادی کارگاه‌های کاشان را گرانی کالای آن‌ها می‌داند (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۷۲). پولاک هم همین نظر را دارد با این تفاوت که افزایش قیمت را به‌علت افزایش قیمت ابریشم خام می‌داند که به اروپا صادر می‌شود (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۸۲).



این بیکاری درحالی بود که منابع بر رونق اقتصاد کاشان در دوره‌های قبل تأکید دارند. «این محصول [پارچه‌های ابریشمی و زری و نقره] چنان فراوان است که روزی هفت عدل ابریشم به وزن ۱۵۱۲ لیور یا پاوند [کمتر از نیم کیلوگرم] به کار می‌رود» (Bruyn, 1718, Vol. 4: 66). بافت پارچه‌های ابریشمی در کاشان به اندازه‌ای زیاد بود که جیمز موریه گزارش می‌کند که فرآورده ابریشم آن برای کارخانه‌های کاشان بسنده نیست و کمبود آن از گیلان جبران می‌شود (موریه، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۱۷). به اندازه‌ای تولید و به خصوص تولید ابریشم در کاشان اهمیت داشت که اولویه گزارش می‌کند که شاه برای اینکه پارچه ابریشمی بیشتری برای صادرات داشته باشد، تأکید داشت تا افراد از لباس نخی استفاده کنند (اولویه، ۱۳۷۱: ۱۰۹). به گزارش فلاندن، کاشان به‌جز منسوجات، ادوات مسی، بشقاب، تشتک، مشربه و تنگ هم تولید و صادر می‌کرد (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۲۶-۱۲۵).

مدنی در انتقاد از بیکاری و رواج شغل‌های کاذب که خود معمول فقر و محرومیت و بیکاری است چنین می‌گوید: «آدم بیکار پرخرج لابد است یا دزدی کند یا شهادت ناحق، یا حکم ناحق، یا ظلم، یا وکالت، یا فراشی دیوان، یا راهداری، یا رمالی، یا روضه‌خوانی، یا درویشی، یا پای‌منبرخوانی،^۴ یا سرراه‌نشینی، یا میان صف مسجد گشتن،^۵ یا در خانه‌ها رفتن، یا کاغذ ناحق تمام کردن، یا مباحثی دیوان اختیار کردن، یا از جیره قشون دزدیدن، یا وافورکش خانه باز کردن، یا به دیوان التماس کردن و مستمری درست کردن، یا زنا و لواط دادن. بالجمله لابد است از به کار بردن انواع تقلبات، تا یک‌چیزی به دست بیاورد برای گذران» (مدنی، ۱۳۷۸: ۱۳۱). وی چاره کار را در استفاده از کالای ایرانی و نیز ایجاد صنایع جدید می‌داند. «پس باید اولاً تدبیری برای گذران اهل ایران بفرمایند و به اجرای قوانین مشروطه پردازند؛ مثلاً اینکه حکم به استعمال اجناس داخل همانند پوشیدن کرباس و استعمال ظروف داخله... نمایند و با نهایت عجله بعضی کارخانجات و به خرج کردن گزاف هم شد دایر نمایند» (مدنی، ۱۳۷۸: ۱۳۱). وی معتقد بود که وضعیت اقتصادی و اشتغال افراد در قانون‌پذیری آنان مؤثر است. «با این وضع حالی که اقلأ سه قسمت از چهار قسمت اهالی ایران مشغول گدایی و مفت‌خواری هستیم و ناچاریم از این عمل شنیع، دست برداریم نمی‌توانیم دست برداشته راضی شویم به قوانین مشروطیت. چه خوب است بزرگانی که دارای کرورها هستند و می‌گویند ما مشروطه‌طلبیم، به گفتن این لحظه اکتفا نکنند و قدری از مال خود را صرف آوردن و دایر کردن بعضی کارخانجات یا ساختمان راه‌آهن نمایند و این خدمت را



تحلیل مبانی و ابعاد اقتصاد کاشان در دوره قاجار با تأکید بر... سید محمود سادات‌بیدگلی

به برادران خود بنمایند تا بلکه ان‌شاءالله مردم فقیر ایران نانی در سفره خود ببیند و قوه کشیدن بار عدل پیدا کنند...» (همان: ۱۳۱-۱۳۲).

عبدالرسول، منتقد بیکاری بود و آن را از موانع مشروطیت می‌دانست: «از موانع مشروطیت بی‌چیزی و بی‌کسبی ماست؛ چه از زمان اواخر صفویه که تجار بیدار فرنگ، به ایران غافل، پای آمدو شد و معامله باز کردند مردمان، گول غافل را به سرخ و سبز خود فریب دادند و این بیچاره‌ها آنچه طلاآلات و نقود و ذخایر و دفاین داشتند، همه را تابه‌حال هم می‌دادند...لباس‌های بی‌دوام به قیمت‌های گزاف خریدند و دریدند و یا برای قند و چای که نه جای آب گرفت و نان دادند و هکذا که تمام سرای‌ها و خانه‌های ایران، یک دکان شد از اجناس بی‌اصل بی‌دوام دولت‌های خارجه؛ بلکه بالمرة چشم از اولین مایه ثروت خود که غله‌جات و پنبه و اجناس دیگر است پوشیده، به حمالی دیگران کوشیدیم...» (همان: ۱۲۹-۱۳۰).

وی کشاورزی را کسب‌وکاری پرمفعت معرفی می‌کند که از کاشت یک دانه هفتصد دانه به دست می‌آید. «از مثل زراعت مایه به دست می‌آید و از دست‌فروشی، گذران امشب می‌شود و ما به این حمالی و دست‌فروشی قناعت کردیم. تمام طلا و نقره و اجناس مرغوب خود را دادیم و اجناس بی‌دوام آن‌ها را آوردیم» (همان: ۱۲۹). این درحالی است که کشاورز کاشانی از دوره صفویه به بعد، حتی تولید غله را کم کرده بود و به تولید محصولات کشاورزی تجاری مانند پنبه، تنباکو، گل‌گلاب، و کنیرا - که برای آهار زدن پارچه استفاده می‌شد - می‌پرداخت (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۶۸ و ۴۶۰-۴۶۱). کرزن به نقل از دوکت نقل می‌کند که کاشان عصر صفوی، شهری سراسر کار و تجارت بود و بیکار نداشت (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۴)؛ اما ورود پارچه‌های خارجی همه تولیدات کاشان و از جمله محصولات کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده بود که مدنی بدان اشاره می‌کند. وی مصرف کالای خارجی و واگذاری همه کارها به خارجی‌ها را باعث فقر و استیصال جامعه می‌داند. «باری بعد از این ترتیب، کم‌کم آثار فقر و استیصال در ما ظاهر شد؛ چراکه خود ما باید بکاریم نکشیم. خود ما باید بدرویم ندرودیم. خود ما باید تسویه کنیم دیگران کردند. خود ما باید بریزیم دیگران ریشتند. خود ما باید رنگ کنیم دیگران رنگ کردند. خود ما باید بدوزیم دیگران دوختند. خود ما باید از دانه، روغن بگیریم دیگران گرفتند. خود ما باید نفت را از منبع بکشیم دیگران کشیدند. خود ما باید جوهر بگیریم دیگران گرفتند. خود ما باید بسازیم دیگران ساختند. تمام این کارها را خود ما باید بکنیم و موضع بگیریم و ثروت به هم بزنیم دیگران کردند و پنج مقابل، مزد آن را از ما گرفتند. پول اصل و مزد آن را زیاده‌تر از ما گرفتند و ما را بیکار گذاشتند...» (مدنی، ۱۳۷۸: ۱).



۱۳۰-۱۳۱). این درحالی است که کاشان همواره به‌علت مزاد تولید دارای ثروت بوده است. امری که اولناریوس هم بدان پرداخته است (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۱۶۶). ولی در این زمان افراد به‌خاطر ورود پارچه‌های خارجی بیکار و شهر فقیر شده بود. مدنی یکی از دلایل قدرت گرفتن نایب حسین کاشی و طولانی شدن طغیان او را نیز بیکاری می‌داند (مدنی، ۱۳۷۸ الف: ۲۲).

ب) مالیات

مدنی معتقد بود که مالیات را باید به نسبت درآمد و دارایی افراد بگیرند. «ازجمله، تحمیلات را به ملاحظه ثروت ببندند نه به ملاحظه شخص. مگر پیغمبر ما ذکات را از روی نصاب مخصوص نمی‌گرفت. مگر نصاب ذکات را از روی اشخاص معین می‌فرمود که مثلاً بفرمایید از بزرگان مدینه بیست‌ویک بگیرند و از اهل قراء ده‌یک یا [اینکه] بدون تفاوت از فلان قدر غله و فلان قدر حیوان، فلان قدر بگیرند؟ ابا آقا و رعیت را فرق نمی‌گذاشت» (مدنی، ۱۴۰۲: ۸۰). اسناد شکایات فراوانی از کارگزاران مالیاتی کاشان و نیز ازدیاد مالیات و عدم توانایی مردم در پرداخت مالیات وجود دارد که نشان می‌دهد سخن مدنی در این‌باره مستند و صحیح است (کمام، ۴/۴۹/۲۴/۱/۶۰، ۴/۴۹/۲۴/۱/۸۶، ۴/۵۰/۲۴/۱/۱۲۰، ۴/۵۰/۲۴/۱/۱۲۳، ۴/۵۰/۲۴/۱/۱۶۴، ۶/۶۶/۳۲/۱/۵۳، ۶/۶۶/۳۲/۱/۵۳). مدنی همچنین به گرفتن مالیات قبان‌داری انتقاد می‌کند. «یک شقه تعدی مسئله قبان دروازه‌هاست که می‌گویند اقلماً روزی پانصد بار از میوه‌جات و حبوبات و هیزم و زغال و غیره وارد کاشان می‌شود. می‌گویند: قبان‌دار باری یک قران الی سی شاهی می‌گیرد» (مدنی، ۱۳۹۸: ۹۶).

ج) خام‌فروشی

آرنولد هنری سوج لندور که در ۹ اکتبر ۱۹۰۱/۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۱۹ به کاشان سفر کرده، تعداد کارگاه‌های ابریشم‌بافی شهر را ۳۰۰ باب گزارش کرده که شامل کارگاه‌های فرش‌بافی ابریشمی هم می‌شده است (Landor, 1903: 262). در دوره صفویه در کاشان در کارگاه‌های ابریشم‌بافی، ابریشم را به پارچه تبدیل می‌کردند به‌گونه‌ای که ابریشم خام کاشان کفایت نمی‌کرد و از گیلان ابریشم می‌آوردند (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۵). سایکس می‌نویسد که در دوره صفویه «مصرف ابریشم آن به قدری زیاد است که کارترایت تاجر انگلیسی که در حدود ۱۶۰۰ میلادی [۱۰۰۸ ق] در آنجا اقامت داشته جداً معتقد است مصرف سالیانه ابریشم کاشان زیادتر از مصرف یک‌ساله ماهوت لندن می‌باشد (سایکس، ۱۳۶۳: ۱۸۷). کاهش تعداد دستگاه‌های پارچه‌بافی باعث کاهش تولید محصول



تحلیل مبانی و ابعاد اقتصاد کاشان در دوره قاجار با تأکید بر... سید محمود سادات‌بیدگلی

10.22052/KASHAN.2024.2.53436.1089

ابریشم شد و به دنبال کسادی صنایع و بیکاری کارگران، کشاورزان هم با رکود مواجه شدند و به شیوه خام‌فروشی روی آوردند. صدور ابریشم خام سود بیشتری داشت؛ در نتیجه تاجرانی به این کار مشغول شدند و ابریشم خام صادر و پارچه وارد کردند. کاشان که زمانی ابریشم خام از گیلان و خراسان وارد می‌کرد تا جوابگوی کارگاه‌های ابریشم‌بافی خود باشد به صادرکننده ماده خام تبدیل شد؛ حتی مواد غذایی نیز جزء اقلام صادراتی قرار گرفت. مدنی به صادر کردن پوست حیوانات و وارد کردن مصنوع ساخته شده هم معترض بود و آن را ناشی از بی‌خردی می‌دانست: «مس ساخته نمی‌برند؛ برنج و روغن را می‌برند؛ پوست حیوان کوچک می‌برند. تمام آن چیزها را هم که می‌برند، به صد برابر، دوباره به اهل ایران بی‌شعور می‌فروشند» (مدنی، ۱۳۹۸: ۱۲۸). تأکید مدنی بر ارزش افزوده‌ای است که کالای ساخته شده نسبت به ماده خام دارد. این مسئله در دوره صفویه وجود داشت و تولید مازاد آن به قول اولناریوس باعث ثروت اهالی شهر شده بود (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۱۶۶). کرزن هم به نقل از کارترایت نقل می‌کند که در ۱۰۰۸ق/۱۶۰۰م این‌قدر در کاشان کالا وجود داشت که برای همه ایران کافی بود (کرزن، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۴).

د) گمرک

اوگوستو لو مسوریه که در ۱۳۰۴ ق/۱۸۸۷م به ایران سفر کرده، می‌نویسد: «کالاهای وارداتی انگلیسی و روسی از محصولات داخلی ارزان‌تر به فروش می‌رسد. به کالاهای خارجی فقط هنگام ورود و خروج از مرز، بسته به بهای جنس، پنج درصد عوارض گمرکی تعلق می‌گیرد و آن‌ها در داخل کشور از پرداخت دیگر عوارض و مالیات‌ها معاف‌اند» (Messurier, 1889: 262). دریافت فقط ۵ درصد عوارض گمرکی درحالی بود که اگر یک بازرگان اصفهانی می‌خواست جنسی را وارد کند، در محدوده مرزهای ایران بین انزلی و اصفهان شش بار در رشت، قزوین، تهران، قم، کاشان و اصفهان از او عوارض راهداری می‌گرفتند و این غیر از مالیات‌های مستقیم (قپانداری و غیره) بود؛ لذا تجار ایرانی حتی نمی‌توانستند اجناس اروپایی را خود وارد کنند و فقط فروشنده خرد این اجناس در داخل شهرها بودند و در داخل کشور هم اراده‌ای که جلوی این کار را بگیرد وجود نداشت. مقامات حکومتی نیز به استفاده از پارچه‌های فرنگی علاقه‌مند شده بودند و درکی از مسائل اقتصادی نداشتند. فتحعلی‌خان صبای کاشانی، ملک‌الشعرا دربار فتحعلی‌شاه نقل می‌کند: «از شاه خواستم که به شغل قبلی خود یعنی قماش‌بافی در کاشان بپردازم، پادشاه نگذاشت و گفت: تو شعر بباف. شعر [پارچه] را فرنگیان می‌بافند» (سرگذشت حاجی‌بابا اصفهانی، ۱۳۳۰: ۳۲).

اختصاص ۵ درصد عوارض گمرکی بر اساس مادهٔ دول کاملهٔ الوداد به انگلستان بود و این کار به یک‌باره صنایع سنتی ایران را در مقابل کارخانجات صنعتی منچستر و گلاسکو قرار داد. تکمیل انهدام صنایع نساجی کاشان به وسیلهٔ نوز بلژیکی انجام گرفت؛ نظر اجمالی به این تعرفه، جانب‌داری نوز را در ترقی تجارت روسیه و جلوگیری از رشد صنایع داخلی ثابت می‌نماید. در اوایل قاجاریه بود که ایران بازار اروپا را از دست داد و محصولات خود را در بازار داخلی به فروش می‌رساند. انواع مختلفی از پارچه‌ها در سراسر ایران، تنها برای مصرف داخلی بافته می‌شد (فلور، ۱۳۷۱: ۹۴). کالاهای اروپایی تقریباً از اوایل قاجار وارد بازار ایران شد. در سرشماری که در سال ۱۲۹۶ ق/۱۸۷۹ م از کاشان به عمل آمده، تعداد دستگاه‌های شعربافی کاشان را ۴۴۸ دستگاه ذکر کرده است (پاکدامن و اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۲). تعداد دستگاه‌ها در همین سرشماری در گذشته ۲۸۰۰ دستگاه بوده است (همان: ۱۸ و ۲۳).

ه) قحطی

مدنی در خصوص قحطی سال ۱۲۸۸ ق/۱۸۷۱ م می‌نویسد: «قحطی هشتادوهشت^۶ را فی‌الجمله خاطریم هست که بعضی [از مردم] اطفال خود را خوردند و جمع زیادی از گرسنگی و سرمای زیاد مردند. قیمت جو و گندم [به] یک من شاه، یک تومان رسید؛ اما معادل بود با پنج تومان این زمان. آن زمان خیلی سخت گذشت؛ خصوصاً برای سرمای زیاد و برف فراوان و سد راه‌ها» (مدنی، ۱۳۹۸: ۱۴۷). در اسناد گزارشی از قتل یک کودک کاشانی توسط مادرش در ۱۲۸۸ ق/۱۸۷۱ م وجود دارد. مادر به خاطر قحطی، کودک چهارسالهٔ خود را کشته و خورده بود. سال بعد مادر را بدین خاطر محاکمه کردند (ساکما، ۲۹۷۷-۲۹۵). زن دیگری از اهالی فین هم هر جا طفل بی‌مادری را می‌دید، او را می‌ربود و می‌پخت و می‌خورد که شاعری بی‌نام این وضعیت را به شعر درآورده است:

در آن قحطی عجب هنگامه‌ای بود	که در فین یک زن قطامه‌ای بود
همان زن بود آدم خوردنش کار	نبودی کس به کار او خبردار
به هر جا طفل بی‌مادر فتادی	به زانوی یتیمی سر نهادی
بغل بهر کمینش می‌گشودی	مثال گرگ او را می‌ربودی
نیامرزد خدا آن رو سیه را	که برمی‌داشت طفل بی‌گنه را
همان ساعت به‌سوی خانه می‌برد	مثال برهانش می‌پخت می‌خورد

(قحطی کاشان به سال ۱۲۸۹، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۴)

این وضعیت خاص کاشان نبود و فقط در مورد این قحطی هم نبود. آدم‌خوری، فرزندخوری، فرزندکشی و خوردن گوشت انسان از جمله جرائمی بود که در دوره قحطی جنگ جهانی اول هم در سراسر کشور روی داده است (قاسمی، ۱۴۰۱: ۸۵). برای پی بردن به میزان افزایش بهای غلات در دوره قحطی باید آمارهای قبل از قحطی را مقایسه کرد. فرخ‌خان امین‌الدوله در سال ۱۲۸۷ق/ ۱۸۷۰م - یک سال قبل از قحطی - قیمت یک خروار گندم را چهار تومان و یک قران و ده شاهی و یک خروار جو را سه تومان گزارش کرده است (اسناد تاریخی خاندان غفاری، ۱۳۸۵: ۴۱۱). در سال بعد (۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۱م) قیمت گندم به خرواری ۱۳/۵ تومان و جو به خرواری ۱۲ تومان رسید و در اوج قحطی هر خروار گندم ۲۲/۵ تومان و جو خرواری ۱۹ تومان خرید و فروش می‌شد (ساکما، ۲۹۷۷/۲۹۵). قیمت نان هم که به‌طور معمول بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ دینار بود به ۳۱۰۰ دینار رسید. حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی قحطی ۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۱م کاشان را خارج از تحریر و تقریر می‌داند (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۵۴). قیمت غله همیشه در کاشان بالا بود چون غله فقط به‌اندازه سه ماه مصرف شهر در کاشان تولید می‌شد و الباقی باید از جاهای دیگر می‌آمد. در ۲۵ شعبان ۱۳۱۸ق/ ۱۸ دسامبر ۱۹۰۰ قیمت یک خروار گندم در کاشان ۱۱ تومان و ۵۰۰۰ دینار و جو خرواری ۹ تومان بود (روزنامه ایران، نمره ۹۸۶، ۲۵ شعبان ۱۳۱۸) که از همه شهرهای ایران بالاتر بود.

بروگش هم که از کاشان دیدار کرده می‌نویسد: «آثار قحطی و گرانی تهران در کاشان هم وجود داشت و یک‌من غله را در آنجا ۱۴ شاهی خریداری کردیم، درحالی‌که سابقاً قیمت آن بین ۷ تا ۸ شاهی بود» (بروگش، ۱۳۸۶: ۵۲۹).

چون کشاورزان کاشانی به کشت محصولات صنعتی کشاورزی مانند پنبه و تنباکو می‌پرداختند، غله کاشان باید از خارج از کاشان وارد می‌شد و همواره کسری غله در کاشان وجود داشت و قیمت غله افزایش می‌یافت (ساکما: ۹۸۹۴-۲۴۰). دوبد و اوین هم بر تأمین گندم کاشان از اصفهان و از راه جوشقان تأکید کرده‌اند (دوبد، ۱۳۷۱: ۱۳۲؛ اوین، ۱۳۶۲: ۲۷۹). به‌جز اصفهان، کمره و سلطان‌آباد هم از مراکز تأمین غله کاشان بود. این مسئله حتی تا اواخر دوره رضاشاه هم وجود داشت (ساکما: ۳۹۹۱۵-۲۴۰، ۲۵۷۶-۳۱۰). طبق مقایسه آمار کتاب کلانتر ضرابی در سال ۱۲۸۷ق/ ۱۸۷۰م و آمار رساله کتابچه حالات و کیفیت بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین کاشان در سال ۱۳۰۴ق، حدود ۳۰ درصد جمعیت کاشان در اثر قحطی تلف شدند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۹۲). مدنی، هفت دلیل را هم برای قحطی کاشان در زمان جنگ جهانی اول آورده است: «اول،

عالم‌گیری آن؛ دویم، نابود حاصلی چهارساله و زنگ و شته و کم‌آبی چهارساله بلکه حالیه؛ سیم، جنگ بزرگ بین دول که سال چهارم است؛ چهارم بی‌دولتی و خیانت آن‌ها که اسم دیانت روی خود گذاشته‌اند؛ پنجم، نامنی خاصه کاشان که زبان و قلم، قدرت گفتار ندارد؛ ششم، نامنی کلی معابر که نیز نمی‌توان از عهده شرح آن برآمد؛ هفتم، بی‌رحمی و بی‌انصافی و بی‌ترسی از خدا و قیامت بزرگانان و داراها و تمام این امور امروزها نیز به‌نحو آتم موجود است؛^۸ لذا این قحطی سال گذشته را قدر یقین می‌توان گفت هفت مرتبه سخت‌تر از آن [قحطی^۹] بود» (مدنی، ۱۳۹۸: ۱۴۷-۱۴۸). در پژوهشی که در مورد خلیقات ایرانیان در زمان جنگ جهانی اول انجام شده است، گران‌فروشی، احتکار، دزدی و راهزنی بیشترین جرائمی بود که اتفاق افتاده بود که گزارش مدنی هم بر آن تأکید می‌کند (قاسمی، ۱۴۰۱: ۸۵، غله کاشان از سلطان‌آباد (اراک کنونی) و کمره (خمین کنونی) وارد می‌شد. در مواقع نامنی درراه‌ها، غله نمی‌رسید و قحطی بروز می‌کرد. همچنین گاهی اداره ارزاق نیز برای افزایش قیمت در رسیدن غله از این مناطق به کاشان کارشکنی می‌کرد که باعث شکایت از این اداره به مجلس شورای ملی می‌شد (کمام، ۴/۵۰/۲۴/۱/۱۴۹) و یا اجازه حمل گندم خریداری شده از خارج از کاشان به شهر داده نمی‌شد که باعث خسارت به صاحب کالا و کمبود غله برای مردم می‌شد (کمام، ۴/۴۹/۲۴/۱/۳۳).

و. چندشغله بودن افراد

مدنی چندشغله بودن را نکوهش می‌کند و حتی آن را جزء موانع مشروطه می‌داند: «از موانع اجرای مشروطه و عدالت و قانون و...، تراحم مشاغل است؛ یعنی یک نفر چند شغل پیش می‌گیرد: مثلاً یک نفر هم مجتهد است؛ هم قاضی، هم وکیل، هم محرر، هم کارگزار، هم دلال، هم طبیب، هم اهل خبرت، هم مباشر دیوان و غیره و ذالک، پانزده شغل می‌کند و همه را ناقص می‌گذارد» (مدنی، ۱۳۷۸: ب: ۵۲).

ز. کوچک‌سازی دولت

مدنی به گسترش ادارات در دوره مشروطه معترض بود و می‌گفت که دولت باید کوچک و چابک باشد: «تا ممکن است دوایر دولتی و ملتی را کوچک‌تر و سهل‌المؤونه‌تر بگیرند» (همان: ۵۲). مدنی خود رئیس انجمن ولایتی کاشان و رئیس محکمه صلحیه از محاکم شرع کاشان بود و به‌عنوان فردی مطلع و درگیر کار اجرایی در مقطع پس از مشروطه، از ازدیاد تعداد ادارات دولتی و مشکلات مردم کاشان مطلع بود و از این رو تأکید داشت که ادارات باید کوچک و چابک باشند. با



تحلیل مبانی و ابعاد اقتصاد کاشان در دوره قاجار با تأکید بر... سید محمود سادات‌بیدگلی

10.22052/KASHAN.2024.253436.1089

تأکید مدنی مردم به‌علت وجود ناامنی در سال ۱۳۲۷ق، با خرج خودشان اداره‌نظمیه در کاشان ایجاد کردند (روزنامه‌نویس، چاپ کاشان، شماره ۲، دوم ذی‌حجه ۱۳۲۷: ۲).

ک. ثبت دخل و خرج مملکت

مدنی معتقد بود که درآمد و مصارف کشور باید ثبت شود و این، جزء اصول یک حکومت مشروطه است. «از جمله اصول مشروطیت ثبت دخل و خرج مملکت است. این هم احتیاج به بیان ندارد. معلوم است باید حساب در کار باشد. میزان در کار باشد انکار نمی‌توان کرد» (مدنی، ۱۳۷۸ب: ۱۰۵). در این دوره سیستم دریافت مالیات غیرمتمرکز بود و حاکم باید مالیات را جمع می‌کرد و طبق کتابچه دستورالعمل خرج می‌کرد و بعد در انتهای زمان حکومتش به حسابش می‌رسیدند و مفاصاحساب برای او صادر می‌کردند. اما در بعد از مشروطه، حاکم همه‌کاره بود. حاکم کاشان مأمورینی را استخدام کرده بود که تا سال ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م یعنی سه سال بعد از مشروطه حقوق نگرفته بودند و در این سال به مخارج اداره حکومتی رسیدگی شد و حقوق معوقه آنان پرداخت شد (ساکما، ۱۲۹۳۸/۲۴۰). قبل از این زمان فقط به میزان مالیات وصولی توجه می‌شد (ساکما، ۱۲۳۳۸/۲۴۰) و تأمین بودجه ادارات کاشان اهمیتی برای مرکز نداشت. مدنی که خود در این زمان عضو انجمن ولایتی است، بارها برای درخواست بودجه با اداره مالیه کاشان و حتی وزارت مالیه مکاتبه کرد (ساکما، ۱۲۹۰۸/۲۴۰) و اینکه مدنی تأکید دارد که دخل و خرج باید ثبت شود، به‌علت وجود همین بی‌نظمی‌ها بود.

۵. نتیجه‌گیری

عبدالرسول مدنی ریشه مشکلات گوناگون کشور را در دوره مشروطه عمدتاً ناشی از اقتصاد می‌داند. ورود کالاهای خارجی با تعرفه پایین، باعث ورشکستگی کارگاه‌های شعربافی کاشان شده بود. مدنی معتقد بود که باید بر کالاهای خارجی تعرفه گمرکی بالا بست؛ مالیات را برای تجارت داخلی پایین آورد و به‌جای صادرات مواد خام، کالای ساخته‌شده صادر کرد که از ارزش افزوده بالایی برخوردار است و باید از طریق شغل‌های مولد مانند کشاورزی به ثروت رسید. وی کسب ثروت را مورد تأیید اسلام و آن را باعث ایجاد امنیت و آزادی در جامعه می‌دانست. توصیه وی رها کردن شغل‌های کاذب و پرداختن به مشاغل مولد بود. چندشغله بودن کارگزاران حکومتی در آن دوره هم، همواره مورد انتقاد مدنی بود. وی معتقد بود که دولت باید کوچک و چابک باشد تا بتواند امور را سروسامان دهد و نیاز به گسترش ابعاد دولت در همه عرصه‌ها نیست.

مدنی فرزند زمانه خود بود و با دید باز، مشکلات دوره قاجار را می‌شناخت و برای آن راهکار بازگشت به خویشتن، خودآگاهی، ایجاد موانع تعرفه‌ای، تأسیس صنایع نوین، تولید کالای ساخته‌شده به جای صادرات مواد خام و پرداختن افراد به مشاغل مولد را پیشنهاد می‌کرد. بررسی نظرات پیش‌گفته مدنی با اسناد و مدارک آرشیوی موجود سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و منابع اصلی آن دوره نشان می‌دهد که نظرات مدنی ریشه اصلی مشکلات اقتصادی آن دوره را بیان می‌کند و لذا آثار وی از عمق قابل قبولی برای استفاده و استناد برخوردار است.

پیشنهاد

پیشنهاد می‌شود سایر آثار مورخان محلی کاشان نیز با استفاده از اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی سنجیده شود تا با دید باز و بهتری بتوان از آنها بهره برد.

پی‌نوشت‌ها

۱. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، (۵، ۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ۹-۲۶.
۲. فصلنامه جمعیت، سال ۲۷ (۱۱۳ و ۱۱۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ۲۷۵-۲۹۷.
۳. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، (۱)۱۵، بهار ۱۴۰۱، ۶۹-۹۵.
۴. روضه‌خوانی سطح پایین قبل از منبر رفتن روحانی را در کاشان پای منبرخوانی می‌گویند.
۵. بین نماز افرادی در بین صف‌های مسجد کاسه به دست می‌گشتند و گدایی می‌کردند.
۶. بیت «به سالی که آدم‌خوری باب گشت/ هزار و دویست است و هشتادوهشت» یادگار آن دوران است.
۷. قحطی بزرگ (۱۹۱۷-۱۹۱۹م).
۸. همه موارد مذکور در گزارش مدنی را اسناد نیز تأیید می‌کند. جنگ جهانی اول، احتکار، دخالت نیروهای خارجی، سودجویی حکام، و ناامنی از علل بروز قحطی اعلام‌شده است (برای اطلاع بیشتر رک: ساکما، ۲۴۰/۴۷۴۵۰).
۹. منظور قحطی ۱۲۸۸ق است.

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۵۷۶-۳۱۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۲۹۷۷-۲۹۵.



تحلیل مبانی و ابعاد اقتصاد کاشان در دوره قاجار با تأکید بر... سید محمود سادات‌بیدگلی

10.22052/KASHAN.2024.253436.1089

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۱۲۳۳۸-۲۴۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۱۲۹۳۸-۲۴۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۱۲۹۰۸-۲۴۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۹۹۱۵-۲۴۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۹۸۹۴-۲۴۰.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره سند ۴/۴۹/۲۴/۱/۶۰.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره سند ۴/۴۹/۲۴/۱/۶۹.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره سند ۴/۴۹/۲۴/۱/۸۶.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره سند ۴/۵۰/۲۴/۱/۱۲۳.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره سند ۴/۵۰/۲۴/۱/۱۶۴.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره سند ۶/۶۶/۳۲/۱/۵۳.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره سند ۶/۶۶/۳۲/۱/۵۳.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره سند ۴/۴۹/۲۴/۱/۳۳.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره سند ۴/۵۰/۲۴/۱/۱۴۹.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، شماره سند ۴/۵۰/۲۴/۱/۱۲۰.

منابع

- آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن. (۱۴۳۰ق). *طبقات اعلام الشیعه*. لبنان: دارالاحیاء التراث العربی.
- اسناد تاریخی خاندان غفاری (۱۳۸۵)*. به کوشش کریم اصفهانیان و بهرام غفاری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- اوین، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- اولناریوس، آدام. (۱۳۶۳). *سفرنامه آدام اولناریوس*. ترجمه احمد بهپور. تهران: ابتکار.
- اولیویه، گیوم آنتوان. (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه*. ترجمه محمد طاهر میرزا. تهران: اطلاعات.
- بروگش، هنری. (۱۳۸۶). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. ترجمه حسین کردبچه. تهران: اطلاعات.
- پاکدامن، ناصر، و اصفهانی، کوچک. (۱۳۸۵). کاشان در صد سال پیش. *فصلنامه فرهنگ مردم*، ۵ (۱۹ و ۲۰)، ۱۶-۲۵.



پولاک، ادوارد. (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.

دوید، کلمنت اوگوستوس. (۱۳۷۱). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: علمی و فرهنگی.

دوسرسی، اد. (۱۳۶۲). *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰. سفارت فوق‌العاده کنت دوسرسی*. ترجمه احسان اشراقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

روزنامه ایران. نمره ۹۸۶، ۲۵ (شعبان ۱۳۱۸ق).

روزنامه ثریا، چاپ کاشان. شماره ۲، (دوم ذی‌حجه ۱۳۲۷).

روزنامه ثریا، چاپ کاشان شماره ۹، (تاریخ ۱۵ محرم ۱۳۲۸ق).

سایکس، سرپرسی. (۱۳۶۳). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار مایل در ایران*. ترجمه حسین سعادت نوری. تهران: لوحه.

سالور، عین السلطنه قهرمان میرزا. (۱۳۷۹). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*. به کوشش ایرج افشار و مسعود سالور. تهران: اساطیر.

سپهر، عبدالحسین. (۱۳۸۶). *مرآت الوقایع مظفری*. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب.

سرگذشت حاجی‌بابا اصفهانی. (۱۳۳۰). تهران: مهرگی.

فلاندن، اوژن. (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن*. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: اشراقی.

فلور، ویلم. (۱۳۷۱). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران (صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی)*. ترجمه ابوالقاسم سری. توس، تهران.

قاسمی، افسانه. (۱۴۰۱). *بررسی خلیقات ایرانیان در خلال جنگ جهانی اول با روش فازی کیفی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۵ (۱)، ۶۹-۹۵*.

<https://doi.org/10.22035/jicr.2022.2910.3261>

قحطی کاشان به سال ۱۲۸۸. (۱۳۸۸). *نامه کاشان* (دفتر دوم). به کوشش افشین عاطفی. کاشان: همگام با هستی.

کرزن، جرج. (۱۳۶۲). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.

مدنی، ملا عبدالرسول. (۱۳۷۸). *تاریخ اشرار کاشان*. ج ۲. کاشان: مرسل.

مدنی، ملا عبدالرسول. (۱۳۷۸). *رساله انصافی*. کاشان: مرسل.



تحلیل مبانی و ابعاد اقتصاد کاشان در دوره قاجار با تأکید بر... سید محمود سادات بیدگلی

مدنی، عبدالرسول. (۱۴۰۲). *رساله انصافیہ*. تصحیح سید محمود سادات بیدگلی. تهران: نشر درست.

مدنی، ملا عبدالرسول. (۱۳۹۸). *کلمات انجمن*. تصحیح سید محمود سادات بیدگلی. تهران: شیرازة کتاب ما.

مشار، خانبابا. (۱۳۴۰). *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون*. بی‌جا: بی‌نا.

موریه، جیمز. (۱۳۸۶). *سفرنامه جیمز موریه*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.

مهدی‌زاده، محمدرضا. (۱۳۹۹). *تاریخ کاشان ناصری و جان‌گیری علم سرشماری*. فصلنامه جمعیت، ۲۷ (۱۱۳ و ۱۱۴)، ۲۷۵-۲۹۷.

نظام‌السلطنه مافی، حسین قلی. (۱۳۶۲). *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی*. تهران: نشر تاریخ ایران.

Bruyn, Comille Le. (1718). *Voyages de Corneille le Bruyn Par La Moscovie, en Parse et aux Index orientales*. amsterdam: F. Wetstein.

Landor, Arnold Henry Savage. (1903). *Across coveted*. Newyork: Charles Scribers.

Messurier, Augustus le. (1889). *From London to Bakhara and a Ride through Persia*. London: Richard and Son.

Documents

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), document number 4/49/24/1/60. [In Persian]

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), document number 4/49/24/1/69. [In Persian]

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), document number 4/49/24/1/86. [In Persian]

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), document number 4/50/24/1/123. [In Persian]

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), document number 4/50/24/1/164. [In Persian]

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), document number 6/66/32/1/53. [In Persian]

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), document number 6/66/32/1/53. [In Persian]



- Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), document number 4/49/24/1/33. [In Persian]
- Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), document number 4/50/24/1/149. [In Persian]
- Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), document number 4/50/24/1/120. [In Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran), document number 310-2576. [In Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran), document number 295-2977. [In Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran), document number 240-12338. [In Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran), document number 240-12938. [In Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran), document number 240-12908. [In Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran), document number 240-39915. [In Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Iran (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran), document number 240-9894. [In Persian]

References

- Asnād-e tārixi-ye Xāndān-e Qaffāri* (Historical documents of Ghaffari family). (2006). Edited by Karim Esfāhanian & Bahram Ghaffari. Tehran: Bonyād-e Mowqūfāt-e Doktor Mahmud-e Afšār (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [In Persian]
- Qahti-ye Kāšān be sāl-e 1288 SH (Kashan famine in 1288 SH / 1909 AD). (2009). *Nāme-ye Kāšān* (Daftar-e dovvom) (Kashan letter (second volume)). Edited by Afshin Atefi. Kāšān: Hamgām bā Hasti. [In Persian]
- Sargozašt-e Hāji bābā Esfāhāni (The adventures of Hajji Baba of Ispahan). (1951). Tehran: Mehregi. [In Persian]
- Aghabozorg Tehrani, M. M. (2008). *Tabaqāt-e a'lām-oš-ši'ah* (List of Shia Ulema). Lobnān (Lebanon): Dār-ol-Ehyā-et-Torās-el-'Arabi. [In Arabic]
- Aubin, E. (1983). *Irān-e emruz* (La Perse d'aujourd'hui, Iran, mesopotamie) [Persia Today, Iran, Mesopotamia]. Translated by Ali Asghar Saedi. Tehran: Zovvār. [In Persian]
- Brugsch, H. K. (2007). *Safari be darbār-e soltān-e sāheb-gerān: 1859-1861* (My life and my trips). Translated by Hossein Kordbacheh. Tehran: Ettlā'āt. [In Persian]
- Bruyn, C. Le. (1718). *Voyages de Corneille le Bruyn Par La Moscovie, en Parse et aux Index orientales*. Amsterdam: F. Wetstein.
- Curzon, G. N. (1983). *Irān va qazie-ye Irān* (Persia and the Persian question). Translated by Vahid Mazandarani. Tehran: 'Elmi Farhangi. [In Persian]
- De Sercey, Ed. (1983). *Irān dar 1839-1840 AD: Sefārat-e fowq-ol-'āde-ye Kont Do Sersi* (Une ambassade extraordinaire: la Perse en 1839-1840) [An extraordinary



- embassy: Persia in 1839-1840] (1st ed.). Translated by Ehsan Eshraghi. Tehran: Markaz-e Našr-e Dānešgāhi. [In Persian]
- DeBode, C. A. (Baron DeBode). (1992). *Safarnāme-ye Lorestān va Xuzestān* (Travels in Luristan and Arabistan). Translated by Mohammad Hossein Ariya. Tehran: 'Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Flandin, E. (1977). *Safarnāme-ye Ožen Flanden be Irān* (Voyage en Perse 1840 – 1841) [Travel to Iran 1840 – 1841]. Translated by Hossein Nour Sadeghi. Tehran: Ešrāqi. [In Persian]
- Floor, W. (1992). *Jostār-hā-yi az tārix-e ejtemā'ee-ye Irān: San'ati šodan-e Irān va šureš-e Šeix Ahmad-e Madani* (Industrialization in Iran and the revolt of Shaikh Ahmad Madani). Translated by Abu Al-Ghasem Serri. Tehran: Tus. [In Persian]
- Ghasemi, A. (2022). Barresi-ye xolqiyāt-e Irāniyān dar xelāl-e jang-e jahāni-ye avval bā raves-e fāzi-ye keifi (Investigating Iranians' ethos during the famine of World War I using a qualitative fuzzy method). *Fasl-nāme-ye Tahqiqāt-e Farhangi-ye Irān* (Journal of Iranian Cultural Research) (JICR), 15(1), 69 – 95. Retrieved from <https://doi.org/10.22035/jicr.2022.2910.3261>. [In Persian]
- Landor, A. H. S. (1903). *Across coveted*. Newyork: Charles Scribers.
- Madani, Molla Abdolrasoul. (1378/1999). "Resāle-ye ensāfiyeh" (Treatise on justice). Kāšān: Morsal. [In Persian]
- Madani, M. A. (1999). *Tārix-e ašrār-e Kāšān* (A history of Kashan villains) (2nd ed.). Kāšān: Morsal. [In Persian]
- Madani, M. A. (2019). *Kalamāt-e anjoman* (The formation of the constitutional movement until the end of the First World War in Kashan). Edited by Seyyed Mahmoud Sadat Bidgoli. Tehran: Širāze-ye Ketāb-e Mā. [In Persian]
- Madani, M. A. (2023). *Resāle-ye ensāfiyeh* (Treatise on justice). Edited by Seyyed Mahmoud Sadat Bidgoli. Tehran: Našr-e Dorost. [In Persian]
- Mehdizadeh, M. (2020). *Tārix-e Kāšān-e Nāseri va jāngiri-ye 'elm-e saršomāri* (The history of Kashan in Naser Al-Din Shah era and the science of census). *Fasl-nāme-ye Jam'eyat* (Population and Development), 27 (113 & 114), 275 – 297. [In Persian]
- Messurier, A. le. (1889). *From London to Bakhara and a Ride through Persia*. London: Richard and Son.
- Morier, J. (2007). *Safar-nāme-ye Jeymz Murieh* (A journey through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, between the years 1810 and 1816). Translated by Abu Al-Ghasem Serri. Tehran: Tus. [In Persian]
- Moshar, Kh. B. (1961). *Mo'allefīn-e kotob-e čāpi-ye Fārsi va 'Arabi az āqāz-e čāp tākonun* (Authors of Persian and Arabic printed books since the beginning of printing until now). [n. p.]: n. p. [In Persian]
- Nezam Al-Saltaneh Mafi, H. Gh. (1983). *Xāterāt va asnād-e Hossein Qoli Xān-e Nezām-os-Saltane-ye Māfi* (Documents and memoirs of Hossein Gholikhan Khan Nizam Al-Saltaneh Mafi). Tehran: Našr-e Tārix-e Irān. [In Persian]
- Olearius, A. (1984). *Safarnāme-ye Ādām Oleāriyus* (Vermechrte neue Beschreibung der muscowitischen und persischen Reyse) [The voyages and travels of the ambassadors sent by Frederick Duke of Holstein to the Great Duke of Muscovy, and the King of Persia]. Translated by Ahmad Behpour. Tehran: Ebtēkār. [In Persian]



- Olivier, G. A. (1992). *Safarnāme-'ye Oliviyeh* (Travels in the Ottoman Empire, Egypt, and Persia). Translated by Mohammad Taher Mirza. Tehran: Ettlā'āt. [In Persian]
- Pakdaman, N. & Esfahani, K. (2006). Kāšān dar sad sāl-e piš (Kashan a hundred years ago). *Fasl-nāme-ye Farhang-e Mardom*, 5 (19 & 20), 16 – 25. [In Persian]
- Polak, E. (1982). *Safar-nāme-ye Polāk: Irān va Irāniān* (Persien, das land und seine bewohner; Ethnographic schilderungen) [Persia, the land and its inhabitants: Ethnographic descriptions]. Translated by Keykavous Jahandari. Tehran: Xārazmi. [In Persian]
- Ruznāme-ye Irān (Iran Newspaper), issue number 986, 25 Ša'bān 1318 AH / 18 December 1900 AD. [In Persian]
- Ruznāme-ye Sorayyā (Sorayya Newspaper), published in Kashan, issue number 2, 2 Zi Hajjeh 1327 AH / 15 December 1909 AD. [In Persian]
- Ruznāme-ye Sorayyā (Sorayya Newspaper), published in Kashan, issue number 9, 15 Muharram 1328 AH / 27 January 1910 AD. [In Persian]
- Salour, E. Gh. (2000). *Ruznāme-ye xāterāt-e 'Eynossaltaneh* (The daily memoirs of Eyn Al-Saltaneh). Edited by Iraj Afshar & Masoud Salour. Tehran: Asātir. [In Persian]
- Sepehr, A. (2007). *Mer'āt-ol-vaqāye'-e Mozaffari* (The history of events in Muzaffar Al-Din Shah Qajar era). Edited by Abd Al-Hossein Navayi. Tehran: Mirās-e Maktub. [In Persian]
- Sykes, S. P. (1984). *Safarnāme-ye Ženerāl Ser Persi Sāyys, yā, dah hezār mil dar Irān* (Ten thousand miles in Persia). Translated by Hossein Saadat Nouri. Tehran: Lowheh. [In Persian]



An Analysis of the Foundations and Dimensions of the Economy of Kashan in the Qajar Era from Abdul Rasoul Madani's Point of View

Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli 

Assistant Professor, Department of History, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran; sadat@ri-khomeini.ac.ir

Received: 19/01/2024

Accepted: 26/05/2024

Introduction

Abd Al-Rasul Madani (1280-1366 AH / 1863-1946 AD) is one of the clerics of Kashan who, during the Constitutional era, wrote the treatise *Ensafiya* in continuation of the tradition of writing treatises by scholars and in order to show the conformity of the Constitutional era with the laws of Islam. By publishing it in 1328 AH (1910 AD), he was able to soften the atmosphere to the benefit of the Constitutional era and the constitutionalists. Fereydoun Adamiyat considers the value of this treatise in intellectual discussions to be higher than that of Na'ini's *Tanbih al-Ummah wa Tanzih al-Milla* (The admonition of people and the refinement of Sharia). In this treatise, Madani paid special attention to the economic issues of the Qajar period. Relying on Quranic verses and hadiths, he considers the acquisition of wealth as endorsed by Islam, linking it to the creation of freedom and security in society.

Materials and Methods

This article analyzes Abd Al-Rasul Madani's views on the economy of Kashan during the Qajar period using a historical and descriptive-analytical method and with the help of archival documents and primary sources. The aim of this article is to test the hypothesis that Abd Al-Rasul Madani's views on the economic situation of Kashan during the Qajar period are consistent with reality and are confirmed by the original documents and sources. Therefore, Madani's points of view are presented in a concrete manner, and their conformity with the sources and documents is assessed.

Results and Findings

The findings of this article show that Abd Al-Rasul Madani's views are supported by archival documents and primary sources, confirming their alignment with historical realities.

Madani observed a change in the country's economic policy during the Qajar era, shifting from exporting manufactured goods to importing them while instead exporting raw materials. As a result, the reduction in the number of weaving machines caused a decrease in silk production, and following the recession of industries and unemployment of workers, farmers also faced a recession and turned to selling raw silk. Exporting raw silk was more profitable; therefore, merchants got involved in this business and exported raw silk and imported cloth. Madani emphasizes the added value that the manufactured goods have compared to the raw



10.22052/KASHAN.2024.253436.1089

material. On the other hand, since the farmers of Kashan cultivated industrial agricultural products such as cotton and tobacco, Kashan's grain had to be imported from outside Kashan, and there was always a grain deficit in Kashan. This situation, especially in Kashan, exacerbated to the famine of 1288 AH (1871 AD).

Regarding customs duties and their impact on traditional Iranian industries against foreign goods, he protested why the government did not collect much customs duty on foreign goods so that they would be imported more expensively and find a smaller market.

He believed that taxes should be collected in proportion to the income and assets of individuals and objected to the collection of arbitrary taxes. Madani believed that the country's income and expenditures should be recorded and considered this issue to be one of the principles of a constitutional government.

The widespread unemployment and people's engagement in unproductive jobs as well as the multiple occupations of government officials, were always central issues for this innovative cleric. Abd Al-Rasoul Madani criticized unemployment, viewing it as an obstacle to constitutionalism. Although Kashan had always been wealthy due to surplus production; at this time, people were unemployed and the city was impoverished due to the import of foreign fabrics. Madani also cited unemployment as one of the reasons for the rise of Naye Hossein Kashi to power and the prolongation of his rebellion. Moreover, Madani condemned taking up multiple occupations, regarding it as an impediment to constitutionalism.

Madani has addressed the issue of downsizing the government and making it more agile, which perhaps few innovators at that time thought about. As the head of the Kashan provincial association and the Peace Court, one of Kashan's Sharia courts, he, as a person who was informed and involved in executive work in the post-constitutional period, was aware of the increasing number of government offices and the difficulties faced by the people of Kashan. Thus, he emphasized that departments should be small and agile.

Conclusion

Abd al-Rasul Madani identifies the root causes of various problems in the country during the constitutional period primarily arising from economic issues. The import of foreign goods at low tariffs had caused the bankruptcy of Kashan's textile weaving workshops. Madani argued for high tariffs on foreign goods, reducing taxes for domestic trade, and exporting manufactured goods with high added value rather than raw materials. He believed that wealth should be attained through productive occupations, like agriculture. He endorsed wealth acquisition as sanctioned by Islam, leading to security and freedom in society. His recommendation was to abandon non-productive occupations in favor of productive work. Madani continually criticized the multiple occupations of government officials during that time. He believed the government should be small and agile to effectively manage affairs without needing to expand its scope across all sectors. His insights were rooted in addressing the core issues of his time, linking the resolution of problems to the internal awareness and economic initiative of the people.

Keywords: Abd Al-Rasul Madani, Qajar period economy, unemployment, constitutionalism, textile weaving workshops, imports.